

نقش خودسازی مردم در کارآمدی حکومت دینی

زهرا ارجمند^۱

زهرا سعیدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۷

چکیده

کشف و تبیین راهکارهای مؤثر برای کارآمدی حکومت دینی از موضوعات مهمی است که مدیران نظام اسلامی باید به آن توجه جدی داشته باشند. در حکومت دینی والاترین هدف، راهنمایی و آموزش و تهذیب همه جانبه مردم به وسیله تعالیم الهی است. بنابراین مهم‌ترین شاخصه‌های کارآمدی حکومت دینی، رشد و تعالی مردم و نیل به سعادت دنیا و آخرت است. خودسازی مردم نقش کلیدی و اساسی در تحقق این شاخصه‌ها و در نتیجه، کارآمدی حکومت دینی دارد. با تقوا و خودسازی از ورود تفکر غیردینی سکولار و اومانیست در بدنه حکومت ممانعت به عمل خواهد آمد. این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا خودسازی مردم تأثیری در کارآمدی حکومت دینی دارد؟ یافته‌ها حاکی از آن است که؛ خودسازی و رعایت تقوای الهی موجب تقویت ایمان به خدا و تهذیب و تربیت روح و همه باورهای دینی می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که، فرد مؤمن با اطاعت از ولی امر مسلمین و اجرای احکام الهی، خداوند متعال را بندگی کرده و در نهایت حدود الهی را در جامعه رعایت می‌کند و این یکی از مؤثرترین عوامل در کارآمدی حکومت دینی است. نقش خودسازی با کارآمدی حکومت دینی محور بحث مقاله حاضر است که با هدف کشف و تبیین میزان تأثیرگذاری، خودسازی مردم بر کارآمدی حکومت دینی تلاش کرده است، با رویکرد قرآنی و روایی و روش توصیفی - تحلیلی ابعاد این بحث را تبیین کند.

واژگان کلیدی

خودسازی، مردم، کارآمدی، حکومت دینی.

۱. مدرس و پژوهشگر.

۲. مدرس و پژوهشگر.

مقدمه

در دین اسلام حکومت دینی به دنبال پیوند دین و سیاست است و برای کارآمدی باید به اجرای قوانین اسلام در جامعه بپردازد. لازمه این کار آن است که مردم جامعه اسلامی به مبانی دین اسلام و نحوه اجرای آنها آشنایی لازم را داشته باشند و مصمم باشند که در مسیر بندگی خدا قرار بگیرند. و با خودسازی و تهذیب نفس تقید به فرامین الهی را بر منافع شخصی ترجیح دهند.

چنانچه حکومت دینی تمام قوانین را حتی به صورت جزئی برای مردم وضع نموده و آنها را بیان نماید، باز اگر مردمی باشند که برای رسیدن به منافع شخصی خود درصدد دور زدن این قوانین برآمده و اجرای آنها را معطل گذارند، در واقع حکومت دینی را تضعیف می‌نمایند.

برپایی حکومت دینی از آرزوهای دیرینه بشریت و از اهداف بلند انبیای اعظام برای رسیدن به تعالی و سعادت می‌باشد. ولی حکومتی که کارآمدی نداشته باشد نمی‌تواند پاسخگوی چنین مهمی باشد. خودسازی با تهذیب نفس موجب می‌شود؛ هیچ‌گونه تزلزلی در ایمان و اعتقادات دینی انسان راه نیابد. لذا تبیین این مسئله و روشنگری در ابعاد آن ضرورت و اهمیت دارد. این مقاله درصدد است با بیان مرتبط بودن نقش خودسازی مردم در کارآمدی حکومت دینی، ضرورت داشتن تقوای الهی و خودسازی مردم، اهمیت این موضوع را در تقویت کارآمدی حکومت دینی بیان بدارد و بر این اعتقاد است که انسان با خودسازی و تقویت ایمان به خدا، به تهذیب و تربیت نفس و همه باورهای دینی می‌رسد. و در نتیجه اطاعت از ولی امر مسلمین و قوانین الهی بندگی خدای متعال را نموده و حدود الهی را در جامعه رعایت می‌نماید و همین امر یکی از مؤثرترین عوامل در کارآمدی حکومت دینی است.

پس از تتبع در آثار اعم از کتب و مقالات اثر مستقلی در این باره یافت نشد تا به عنوان پیشینه اثر قلمداد گردد. اما می‌توان به کتاب مشکلات حکومت دینی علی صفایی که به بحث مرتبط است اشاره کرد که در آن به بررسی مشکلات حکومت دینی در سه حوزه پرداخته است:

حوزه اول: بررسی مشکلات حکومت دینی در فرض حاکمیت معصومی چون امیرالمؤمنین علی علیه السلام است؛

حوزه دوم: بررسی مشکلات حکومت دینی در فرض انحراف از سنت معصوم علیه السلام و گرفتار شدن به بدعت است؛

حوزه سوم: بررسی مشکلات حکومت دینی در فرض حاکمیت سالم، ولی ضعیف است.

و در بخش سوم به خاستگاه این مشکلات و عواملی که می‌تواند ما را در برابر این مشکلات موفق بدارد و زمینه صلاح را برای ما فراهم سازد؛ پرداخته است. و با توضیح این چهار موضوع و استناد به نامه ۴۵ نهج البلاغه نقش خودسازی مردم را در کارآمدی حکومت دینی بیان نموده است.

از نوآوری‌های این مقاله، توجه به اثرگذاری خودسازی مردم از جمله کارگزاران حکومت به عنوان جزئی از مردم، در جامعه و پیشرفت آن و کارآمدی حکومت دینی است. نتیجه این پژوهش می‌تواند باعث رشد و کارآمدی حکومت دینی شده و اثر چشمگیری در خودسازی مردمی داشته باشد.

مفهوم‌شناسی

۱. خودسازی

خودسازی به معنی تکمیل و پرورش نفس و استفاده از تمایلات و خواسته‌های نفسانی به صورت هماهنگ و در جای مخصوص خود می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۶، ۸۸۳۳). در زبان عربی خودسازی به معنی تزکیه و از ماده «زک و» است که در لغت به معنی استوار ساختن و دور کردن شیء از عیب (فراهیدی، ۱۴۰۸ق: ۳۴۸) و به وجود آمدن رشد و طهارت در آن است (ابن منظور، بی‌تا: ج ۶، ۶۴).

در تعریف اصطلاحی خودسازی غلبه کردن انسان بر قوای ظاهره و تحت فرمان خالق در آوردن آنها (موسوی خمینی، ۱۳۹۲ش: ۶).

پاک کردن و پیراستن نفس از نقایص و صفات رذیله و آراستن آن به صفات پسندیده و کمالات نفسانیه (نراقی، بی‌تا: ج ۱، ۴۰۰). و نیز شکل دادن و جهت بخشیدن به فعالیت‌های حیاتی با هدف خاص است البته خودسازی به معنای محدود کردن فعالیت‌ها نیست، بلکه تلاش‌های علمی و عملی انسان با توجه به خویشتن برای رسیدن به کمال سمت و سو داده می‌شود. یعنی فعالیت‌های زندگی انسان به طرف هدف والا دارای جهت می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۲ش: ۲۲).

۲. کارآمدی

در زبان فارسی به معنای چون «به کار آمدن»، «خدمت کردن»، «شایستگی»، «کارایی» و «فایده» آمده است (ذوعلم، ۱۳۸۶ش: ۱۱۱). و درجه اثربخشی، توانایی تأثیرگذاری، کفایت،

توانایی و شایستگی از جمله مفاهیمی است که برای واژه کارآمدی در فرهنگ علوم سیاسی به کار می‌رود. گاه نیز کارآمدی و کارایی به یک معنا به کار می‌روند و منظور از هر دو، توانایی رسیدن به اهداف مشخص و از پیش تعیین شده است (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶). بنابراین کارآمدی به معنای میزان موفقیت در دست‌یابی به اهداف است.

اما دو نکته اساسی در تعریف کارآمدی این است که:

۱. میزان موفقیت در دست‌یابی به اهداف را بایستی با توجه به امکانات و موانع موجود ارزیابی کنیم. زیرا کارآمدی یک نظام سیاسی با جهان بینی و نظام ارزشی حاکم بر آن نظام سیاسی ارتباط مستقیم دارد. به عنوان مثال نظام سیاسی لیبرال ارزش سود، رفاه و امنیت مادی انسان را بر هر ارزش دیگری مقدم می‌دارد (آریلاستر، ۱۳۷۷: ۸۱) و کارآمدی در حکومت دینی، که در آن نظام اسلامی جدا از مسئولیت در برابر مردم، خود را در پیشگاه الهی نیز مسئول می‌داند. سعادت و کمال دنیا و آخرت مردم است (عمید زنجانی، ۱۳۷۸: ۲۸).
۲. در بررسی کارآمدی حکومت دینی باید براساس تعامل سه شاخص اهداف، امکانات و موانع به آن توجه کرد.

۳. حکومت دینی

حکومت مجموعه‌ای از نهادهاست که بر یک سرزمین تعریف شده و جامعه انسانی ساکن در آن اعمال حاکمیت و اقتدار می‌کنند. گاهی حکومت را به عنوان یک قدرت سیاسی منسجم و متشکل تعریف می‌کنند که در امور مختلف اجتماعی تصمیم‌گیری و امر و نهی می‌کند (واعظی، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۲). بر این اساس دولت شامل تمامی قوا از جمله قوه مجریه، مقننه، قضائیه و نیروهای نظامی و انتظامی است (عالم، بی تا: ۱۴۴-۱۴۹) و حکومت دینی؛ حکومتی است که در حوزه حکومت و اداره جامعه دستورات و قوانین یک دین خاص را پذیرفته است. در این نوع از حکومت، دولت و نهادهای مختلف آن خود را متعهد به تعالیم و آموزه‌های دین و مذهب خاص می‌دانند و در وضع قوانین، نوع معیشت و تنظیم روابط اجتماعی و همه امور حکومتی از آموزه‌های دینی الهام گرفته و آنها را با دین هماهنگ می‌کنند.

سه شاخصه مهم حکومت دینی

اهداف: هدف کلان حکومت دینی همان اهداف بعثت انبیاء است یعنی رسانیدن انسان به سعادت و کمال دنیوی و اخروی از همین روی به ابعاد جسمانی - روحانی؛ فردی - اجتماعی؛

دنیایی و اخروی انسان‌ها توجه دارد. در حقیقت از همان جامعیت وحی برخوردار است. **دولتمردان:** در حکومت دینی به تناسب مسئولیت‌ها و شرایط اجتماعی برای مجریان اوصاف و شرایطی وضع شده است وجود این شرایط و صلاحیت‌ها برای مدیران ارشد همواره شدیدتر می‌شود و با وجود افراد واجد شرایط، دیگران حق جواز تصدی مقامات دولتی را ندارند تا آن‌جا که رهبریت دولت دینی مشروعیت و حقانیت خود را از رهگذر وجود همین صلاحیت‌ها و شرایط می‌گیرد که از جانب دین داده شده است. کارگزاران و مدیران معتقد به دستورات دین از ملزومات یک حکومت دینی کارآمد در جامعه دینی هستند. و شایستگی آنها در کارآمدی حکومت دینی نقش اساسی دارد.

مردم: در اسلام همه چیز مقدمه خودسازی انسان است. همه فرائض، احکام، تکالیف، واجبات، اجتناب از گناهان و نوافل و مستحبات و احکام اجتماعی و فردی، همه و همه مقدمه حیات طیبه است؛ مقدمه زنده شدن انسان با روح انسانی است؛ مقدمه عروج انسان از عالم بهیمیت و حیوانیت و توحش است. اگر بشر تحت تربیت الهی (که با اراده خود او قابل تحقق است) قرار گیرد، این حیات طیبه در نفس او به وجود خواهد آمد و محیط را هم طیب و طاهر خواهد کرد (بیانات مقام معظم رهبر در دیدار اقشار مردم، ۱۳۷۷/۱۰/۲۸).

اگرچه حکومت دینی با مردمی بدون اعتقاد به دین که اسیر هوا و هوس‌های‌شان هستند و هیچ‌گونه احساس مسئولیتی در قبال جامعه و جهان اطراف خود ندارند؛ در عالم فرض و تصور ممکن است ولی در واقعیت و میدان عمل نمی‌توان دولت دینی را بر شانه‌های ملتی بیگانه و غیر معتقد به دین به پاداشت. انسان معتقد به دین و فرامین الهی مسئول است چون هدف دارد و حکومت دینی بدون جامعه معتقد به دین مفید و کارآمد نخواهد بود.

بنابر آنچه بیان گردید؛ در حکومت دینی اقبال مردم متدین به دولت دینی بسیار بااهمیت است و در حکومت دینی خطوط و چارچوب‌های کلی حکومت را دین تعیین می‌کند؛ هرچند مصادیق و خطوط جزئی روش‌های خاص حکومت از طریق عقل، تجربه و دانش بشری تنظیم می‌شود.

پس، حکومت دینی به معنی مدیریت علمی و حذف عقل و دانش بشری از بدنه حکومت و مدیریت جامعه نیست.

آثار خودسازی مردم در حکومت دینی

مردم به عنوان آفریده‌های خداوند و پدیدآورنده جامعه می‌توانند در تشکیل حکومت دینی نقش مهمی داشته باشند و البته در استمرار برپایی آن حکومت نیز نقش به‌سزایی دارند. مردم و نهادهای حاکمیت از یک دیگر جدا نبوده و می‌توانند یار و پشتیبان هم باشند. آنچه که می‌تواند آنان را در این مسیر یاری رسانده، خودسازی و داشتن تقوای الهی است تا به قوانین دینی پایبند باشند و از شر دشمن درونی (وسوسه‌های شیطان و هوای نفس) و (دشمن بیرونی) خود را رهایی بخشند.

با توجه به خطبه متقین و سخنان گهربار حضرت علی علیه السلام خودسازی فقط جنبه فردی نداشته و آثار اجتماعی نیز دارد که در این خطبه اشاره شده:

فرد باتقوا که خودسازی نموده یک خصلت روحی و تربیت معنوی پیدا نموده که در پرتو آن از زیر بار مسئولیت‌های شرعی شانه خالی نمی‌کند و مشتاقانه می‌پذیرد و در برابر سختی‌ها مقاومت می‌کند و در جامعه نیز با پذیرش مسئولیت اجتماعی و توجه به قوانین حاکم از آنها تبعث نموده تا جامعه به رستگاری برسد.

امیرالمومنین علی علیه السلام همچنین تلاش در جهت اصلاح مردم را سعادت کامل برای انسان می‌داند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ج ۷، ۲۰۴).

اگر بخواهیم آثار خودسازی مردم را در جامعه برشماریم می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

۱. خدمات‌محوری

هدفمندی در زندگی یکی از محورهای مهمی است که انسان باید در زندگی خود آن را مشخص نماید و اگر بتوانیم به تمام اعمال خود جهت‌خدایی بدهیم در واقع خود را در مسیر الهی بیمه کرده‌ایم.

چنانچه حضرت زهرا علیها السلام در روایتی می‌فرمایند:

من اصعد الى الله خالص عباده اهبط الله عزوجل اليه افضل مصلحته (عیسی، بی‌تا:

ج ۲، ۱۰۸).

اگر انسان بانیّت خالص اعمال عبادی خود را به سوی خدا بفرستد، خدا بهترین مصالح او را برایش فرو خواهد فرستاد.

به فرموده امام صادق علیه السلام:

القلب السليم الذی یلقى ربه و لیس فیہ احد سواه (کلینی، ۱۳۹۱ق: ج ۲، ۱۶)؛

قلب سلیم، قلبی است که خدا را ملاقات کند درحالی که احدی جز او در آن وجود ندارد.

خداوند در قرآن کریم به صورت خیلی صریح و روشن، به این حقیقت اشاره کرده است که رستگاری و زیان کاری، یا به تعبیری پیروزی و شکست انسان در زندگی دنیوی و اخروی، در گرو خودسازی و ترک آن است ﴿قد أفلح من تزكى﴾ (اعلی: ۱۴).

همه پیامبران خدا برای برنامه ریزی آمده اند تا انسان با در دست داشتن برنامه های تعیین شده راه سعادت را طی کند و به کمال وجودی و رستگاری دنیا و آخرت برسد. کسی که بتواند به خودسازی برسد، برای انجام تکالیف الهی تلاش می کند، یعنی منیت ها و خودخواهی ها را کنار می گذارد و آنچه برای او مهم است قدم گذاشتن در مسیر تکالیف الهی است که خداوند بر عهده او گذاشته است. به طور کلی هر انسانی اگر بخواهد به کمال وجودی اش برسد، باید حرکت کند (تهرانی، ۱۳۹۸ش: ۱۳۸).

چنان که امام راحل رحمته الله علیه بر این مطلب تأکید داشتند و فرمودند:

ما مأمور به انجام تکلیف هستیم نه مکلف به رسیدن نتیجه (موسوی خمینی، ۱۳۶۱ش:

ج ۲۱، ۲۸۴-۲۸۵).

که اشاره به ضرورت توجه به انجام تکالیف الهی دارد که با نیت خالص انجام گیرد. اساسی ترین شرط انجام تکالیف الهی، خلوص نیت است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

العمل الخالص الذی لا ترید ان یحمدک علیه احد الا الله تعالی (کلینی، ۱۳۹۱ق: ج ۲، ۱۶)؛

عمل خالص آن است که در انجام آن، نخواهی جز خدا کسی بر آن تو را ستایش و تمجید کند.

۲. وفادار بودن به قوانین حکومت دینی

این را وقتی در جامعه مشاهده می کنیم که عده ای به دلیل نگاه مادی و برای رسیدن به خواسته های دنیوی خود سعی در دور زدن قوانین الهی برای رسیدن به خواسته های دنیوی خود دارند، غافل از این که همه چیز در این دنیا حساب شده است و ما باید پاسخگوی اعمال خود در دنیا و آخرت باشیم.

پس انسان های هوشمند با درک درستی از مفهوم «خودسازی» خدا را محور اصلی زندگی

خود قرار می دهند و در تمام شرایط زندگی، رضایت خداوند را در نظر می گیرند. با مروری کوتاه بر کلام امام خمینی رحمته الله علیه روشن می شود که در عصر حاضر، تکیه بر تزکیه نفس از اهمیت به سزایی برخوردار است (موسوی خمینی، ۱۳۶۱ش: ج ۱، ۳۸۰). در شرایط کنونی اساسی ترین و مهم ترین مسئله برای تداوم و تثبیت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی تقویت ایمان و تزکیه بیشتر نفس در پرتو یاد خداست. این جریان دقیقا مطابق همان روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که پس از اتمام جهاد با دشمنان بیرونی و غلبه بر آنان، بر جهاد اکبر یعنی مبارزه با نفس و تزکیه درونی تأکید می کنند و مدال شجاعت را به کسانی که در صحنه نبرد درونی پیروز می شوند اهدا می کند.

در حدیثی، امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که حضرت، لشکری را برای جهاد فرستادند، وقتی که برگشتند خطاب به آنها فرمودند:

مرحبا ب قوم قضاو الجهاد الاصغر، و بقى عليهم الجهاد الاكبر. فقیل یا رسول الله: ما الجهاد الاكبر؟ قال: جهاد النفس (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۴۰؛ مجلسی، بی تا: ج ۶۷، ۶۵)؛

آفرین بر گروهی که جهاد کوچک تر را انجام دادند؛ و حال آن که جهاد بزرگ تر باقی مانده است گفته شد: ای رسول خدا! جهاد بزرگ تر چیست؟ فرمود: جهاد و مبارزه با نفس (خویشتن). بنابراین برای پیشبرد اهداف حکومت دینی اجرای قوانین الزامی است لذا تأکید بر خودسازی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تا جامعه ما از بیم و قانون شکنی، بزه کاری و هنجارشکنی در امان مانده و خدشه ای به کارآمدی حکومت وارد نگردد.

۳. نیک خواهی در امور حکومت دینی

مردمی که به فکر مصالح جامعه دینی خود می باشند نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوز بوده با هوشیاری و نیک خواهی در فعالیت های دولت و مسئولان جامعه مشارکت می کنند و هرچه از مساعدت ها که بتوانند انجام می دهند تا با دلسوزی و مصلحت اندیشی حکومت دینی را یاری می دهند. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۳۴ نهج البلاغه می فرماید:

... و اما حق علیکم فالوفاء بالبیعه والنصیحه فی المشهد والمغیب، و الاجابه حین ادعوکم، والطاعه حین آمرکم؛

و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هرگاه شما را فرا خواندم اجابت نمایید و هرگاه فرمان دادم، اطاعت

کنید.

۴. فرمان برداری و اطاعت از دستورات حکومت دینی

دستورات حاکم آن گاه که از سوی مردم اجرا شود، به هدف رسیده است و جامعه به سمت خیر و صلاح پیش می‌رود و این امر جز با خودسازی مردم و گوش به فرمان بودنشان تحقق نخواهد یافت.

چنانچه امام علی علیه السلام در نکوهش از سرپیچی مردم زمان خود می‌فرماید:
آن کس که فرمانش را اجرا نکند، رایی نخواهد داشت «نهج البلاغه، خطبه ۲۷».

لذا چنانچه بخواهیم یک حکومت دینی در جامعه ما را به سعادت و رستگاری برساند باید مردم آن حکومت را یاری نموده و با اجرای قوانین حکومت دینی، سعی و تلاش خود را برای همیاری یگدیگر و فراهم ساختن زمینه‌های فرج امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف را بنمائیم (سلیمیان، ۱۳۹۴ ش: ۲۰۸).

۵. بصیرت و دشمن شناسی

کسب صفات و اعمال خدایسند و زدودن صفات ناپسند و اصولاً تربیت صحیح، به انسان بینش الهی می‌دهد. امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام این حقیقت را در موارد مختلفی بیان فرموده است. از جمله پس از شمارش برخی از صفات اهل حق و مؤمن آگاه می‌فرماید:

قد ابصر طریقه و سلک سبيله و حرف مناره و قطع غماره واستمسک من الغری
باوثقها و من الجبال بامتنها فهو من الیقین علی مثل ضوء الشمس... (نهج البلاغه،
خطبه ۸۷)؛

مؤمن روشن بین با تزکیه نفس و زهد و اخلاص از کوری رهایی یافته و راه هدایت را با بصیرت درک کرده و در آن قدم می‌گذارد و نشانه‌های این راه را به خوبی شناخته و از امواج متلاطم هواهای نفسانی گذشته است. از میان دستگیره‌های هدایت، مطمئن‌ترین آنها را چنگ زده و به قوی‌ترین ریسمان‌های (نجات) چنگ زده است. به همین دلیل در مقام یقین به جایی رسیده است که (حقایق) را مانند نور خورشید می‌بیند.

۹۷

شناخت دشمن از مظاهر بصیر بودن است. قرآن کریم در آیات بسیاری در مورد دشمن شناسی سخن گفته و پیروانش را به آن تشویق و ترغیب نموده است رسول اسلام صلی الله علیه و آله نیز پیروانش را توصیه به این امر مهم نموده و فرموده است:

لا ان اعقل الناس عبد عرف ربه فاطاعه و عرف عدوه فعصاه (مجلسی، بی تا: ج ۷۷، ۱۷۹):

بدان که داناترین مردم کسی است که پروردگارش را بشناسد و از او اطاعت کند و دشمنش را بشناسد و با او مخالفت کند.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نیز علاوه بر توصیه مؤکد نسبت به شناخت دشمن، برخی از خصیصه‌های دشمن خطرناک را چنین بیان فرموده است:

اکبر الاعداء اخفاهم مکیده (کاشف الغطاء، بی تا: ۱۵۹):

بزرگ‌ترین دشمنان، کسانی هستند که حيله و مکر خود را مخفی تر می‌کنند.

بنابراین انسانی که با خودسازی به بصیرت و هوشیاری می‌رسد؛ علاوه بر دشمن‌شناسی، راه‌های مقابله با شیوه‌های نفوذ آنها را به خوبی درک خواهد کرد.

یکی از توصیه‌های رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم برای رسیدن به عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن است. فقط انسان موحد و مهذب قادر خواهد بود درک درستی از دشمن داشته باشد و آن را بشناسد و با عزت در مقابل دشمن سر تعظیم فرود نیاورد (بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۶. بالارفتن امنیت در جامعه

یکی از مصادیق مهمی که در جوامع برتر و خودساخته خود را نشان می‌دهد امنیت است. امنیت انواع و مصادیق مختلفی دارد از جمله امنیت روانی، امنیت جانی، امنیت غذایی و... همه این کارها در مواقعی به بهترین شکل انجام می‌شود که اغلب افراد جامعه دارای نفسی خودساخته و قوی باشند. انسان خودساخته و مهذب هرگز دست از ارزش‌های اصیل دینی و ایمانی خود بر نخواهد داشت و هیچ خواسته‌ای را بر خواسته خدا ترجیح نمی‌دهد. و تسلیم امر خدا و ولی خداست و با اطاعت‌پذیری از ولایت هماهنگی و وحدت اجتماعی می‌آفریند. تظلم اجتماعی، اخلاقی و معنویت و عدالت مؤلفه‌های مهمی‌اند که در پرتو خودسازی اعضای جامعه دینی تأمین می‌شوند. یقیناً در چنین جامعه‌ای دزدی به حداقل می‌رسد و دعوا و درگیری کاهش می‌یابد و کمک به هم‌نوع در بالاترین حد خود ظاهر می‌شود. و همه این ویژگی‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که اعضای جامعه به فکر خودسازی و پرورش منیت‌های خود باشند.

۷. نظارت همگانی مردم نسبت به حکومت

طبق اصل ۸ قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند (حاتمی، بی‌تا: ۱۰).

﴿والمؤمنون والمؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر﴾ (توبه: ۷۱).

و مؤمنین و مؤمنات نسبت به یکدیگر دوستی و محبت و دلبستگی و اطاعت و فرمانبری دارند امر به معروف می‌کنند و نهی از منکر و می‌کنند.

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین احکام اسلامی از جایگاه ارزشمند و والایی در فقه اسلامی برخوردار است. اهمیت و جایگاه حساس این فریضه الهی بارها در قرآن کریم، روایات و متون فقهی ذکر شده است.

در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این مقوله مهم با درایت و هوشیاری فقهای قانون اساسی تبیین شده است. اجرای این اصل در جامعه یکی از مؤثرترین راهکارها برای کارآمدی دولت است. امر به معروف و نهی از منکر یکی از مسائلی است که به طور خاص فقط در جامعه اسلامی مطرح است و از واجبات کفایی بر عهده عموم متقیان است. وظیفه‌ای همگانی است که جامعه را از بدی‌ها پاک می‌کند و با هدایت افراد جامعه بدعت‌ها را از بین می‌برد و در برابر ظلم و فساد مقاومت ایجاد می‌کند. و این مهم زمانی اتفاق می‌افتد که افراد جامعه با خودسازی و تزکیه نفس، عهده‌دار دستورات الهی و دینی خود باشند.

کارآمدی حکومت دینی و رابطه آن با خودسازی مردم

یکی از مواردی که عقل بر ضرورت آن حکم می‌کند، تشکیل حکومت برای حفظ نظم و امنیت است. اما هر حکومتی براساس مبانی فکری و نظری خود اهداف خاص خود را دارد و براساس این اهداف شرایط و ویژگی‌هایی به حاکمان آن داده می‌شود. حکومت اسلامی نیز شرایطی دارد که از آن جمله می‌توان به پاکدامنی و تقوا اشاره کرد.

انسان باتقوا از تعالیم الهی برخوردار است و توانایی تشخیص حق از باطل دارد، بنابراین در سختی‌های زندگی فردی و اجتماعی خود درمانده نمی‌شود. او دارای بینشی قوی است که در رنج‌ها و سختی‌ها به او کمک می‌کند چنانچه در قرآن کریم آمده است:

«من یتق الله يجعل له مخرجا» (طلاق: ۲):

هر که تقوا بورزد خداوند راه گشایش در سختی‌ها به او عطا می‌کند.

و بنا به قول رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

حتی اگر آسمان و زمین برای فرد متقی در هم پیچیده شود، خداوند به او راه گشایش و فرج را نشان می‌دهد (مجلسی، بی‌تا: ج ۷۰، ۲۸۵).

همان‌گونه که حکومت اسلامی در تشکیل خود نیازمند بیعت مردم است، در تداوم خود نیز نیازمند حمایت مردم است و حمایت مردم می‌تواند این حکومت را از شر تمامی دشمنان داخلی و خارجی مصون بدارد. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در کلام خود به این نقش اشاره کرده و در نامه خود به مالک اشتر دستور داده است که توده‌های زحمتکش را در همه حالات و هر کاری پشتیبان خود قرار دهد و از تکیه بر ثروتمندان خود خواه و متوقع بپرهیزند. و همیشه به فکر رضایت گروه اول باشد نه گروه دوم (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ نیز در این زمینه می‌فرماید:

ملت باید از دولت‌ها حمایت کند، دولت بدون حمایت شکست خواهد خورد (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش: ۱۶۲).

مقام معظم رهبری در جای دیگری فرموده‌اند:

بالاخره ما به مردم نیاز داریم؛ یعنی جمهوری اسلامی تا آخر مردم را می‌خواهد، این مردم هستند که این جمهوری را به این جا آورده‌اند و مردم هستند که باید این جمهوری را تا آخر راه ببرند (سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۸/۶).

مقام معظم رهبری با بیانی شیوا رابطه خودسازی و تقوا را با کارآمدی حکومت فرموده‌اند:

آنچه ما مسئولان احتیاج داریم، این است که کارآمدی خود و نظام را افزایش دهیم. کارآمدی هم باید در جهت تحقق خواست‌ها و اهداف اسلامی باشد؛ در جهت پیاده شدن و عینی شدن ارزش‌ها در جامعه باشد، باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه زندگی کردن برویم، باید به سمت زندگی علوی برویم... باید روح زندگی علوی یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست. در آن صورت، کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستید کار را بکنند؟ توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزش‌ها و اصول خود عملاً نشان دهیم،

کارآیی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد البته دشمنان نمی‌خواهند؛ جنجال و هیاهو می‌کنند؛ اهمیتی هم ندارد(همان).

خودسازی مردم نیاز جامعه و شرط تحقق کارآمدی حکومت دینی

حکومت دینی اسلامی به عنوان نمونه ای از یک حکومت دینی، مبتنی بر مکتب حیات بخش اسلام است و بر آن تکیه دارد و برخاسته از قرآن و سیره و سنت پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام است. مکتب اسلام جامعیت و عینیت دارد و هدف آن ساختن جامعه‌ای سالم، تکامل انسان و پاسخگویی به تمام نیازهای بشریت است. این نظام فقط جنبه دینی و ذهنی ندارد.

اثر بخشی آن مستلزم تحقق همه جانبه آن در جامعه و زندگی مردم است و به دو امر اساسی بستگی دارد:

- حکومت و نظام متناسب، مصمم و معتقد و با برنامه‌ریزی همه جانبه در جهت تحقق ابعاد اصول دینی؛

- التزام عملی و رفتاری مردم به اصول و مبانی و حرکت در راستای حاکمیت فرهنگ عالی اسلام به معنای حاکمیت ارزش‌ها در نگرش، رفتار و عادات.

از این رو پایبندی و التزام مردم کشور به ارزش‌ها و اصول حکومت دینی با خودسازی و مقاومت و صبر در برابر مشکلات با کارآمدی حکومت دینی رابطه مستقیم دارد. و چنین مردمی، مردمی پیشگام و الگو هستند که الگو بودن خود را در عمل و باطن ثابت کرده‌اند (سعیدی شاهرودی، ۱۳۸۸ ش: ۱۴۸-۱۴۹).

نتیجه‌گیری

حکومت دینی وقتی کارآمد است که بتواند با حفظ پیوند دین و سیاست به اجرای قوانین الهی بپردازد و در عین حال خواستار مشارکت مردم در اجرای قوانین الهی باشد. مردم به عنوان آفریده‌های خداوند و پدیدآورنده جامعه در تشکیل و حفظ و استمرار حکومت دینی نقش مهمی دارند.

لذا برای رسیدن به این امر مهم لازم است مردم به مبانی دین و نحوه اجرای آنها آشنایی لازم را داشته باشند و مصمم باشند که در مسیر بندگی خدا قرار بگیرند و با تقوای الهی خود را از گناه دور نگه داشته و نحوه صحیح احکام الهی را در نظام دینی پیاده نمایند. چنانچه

حکومت دینی تمام قوانین را حتی به صورت جزئی برای مردم وضع نموده و آنها را بیان نماید، باز اگر مردمی باشند که برای رسیدن به منافع شخصی و هواهای نفسانی خود درصدد دور زدن این قوانین برآمده و اجرای آنها را معطل گذارند، در واقع حکومت دینی را تضعیف نموده و جامعه را مختل می‌نمایند. همچنین انسانی که در برابر هواهای نفسانی ایستادگی می‌کند، می‌تواند در برابر توطئه‌های دشمنان نیز از خود مقاومت نشان داده و تسلیم آنان نشود.

امام خمینی رحمته‌الله علیه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و اسلام حقیقی از همان ابتدا علاوه بر تعلیم و تربیت، به تزکیه نفس و خودسازی نیز توجه داشتند و در طول عمر پربرکت خود به ویژه در دوران انقلاب بر آن تأکید داشتند و در این رابطه فرمودند:

خودسازی از تک‌تک افراد جامعه باید شروع بشود، فرد تا خودش را نسازد، نمی‌تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، نمی‌شود که کشور ساخته بشود.

بنابراین همان طور که برپایی حکومت دینی نیاز به مشارکت مردمی آگاه و مقید به اجرای احکام الهی دارد در استمرار و اجرای قوانین حکومت نیز باید مردمی متقی و باتقوا باشند تا حکومت دینی، حکومتی کارآمد باشد و در طول سال‌های متمادی تا ظهور حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف مستدام باشد.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.
 ۲. آریلاستر، آنتونی (۱۳۷۷ش)، *لیبرالیسم غرب*، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
 ۳. آقا بخشی، علی؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹ش)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار.
 ۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم: دارالکتاب الإسلامی.
 ۵. تهرانی، شیخ مجتبی (۱۳۹۸ش)، *سلوک عاشورایی، منزل سوم، هجرت و مجاهدت*، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.
 ۶. حاتمی، علی (بی‌تا)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، بی‌جا: بی‌نا.
 ۷. ساورد، هیشر؛ فرنج، درک (۱۳۷۱ش)، *فرهنگ توصیفی مدیریت*، ترجمه: محمد صائبی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. ذوعلم، علی (۱۳۸۶ش)، تجربه کارآمدی حکومت ولایی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۰. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۱ش)، دین و دولت، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. سایت اینترنتی: <https://www.leader.ir>
۱۲. سعیدی شاهرودی، علی (۱۳۸۸ش)، حاکمیت دینی، قم: زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه السلام.
۱۳. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۴ش)، نقش مردم در انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۱۴. صفایی حائری، علی (۱۳۸۸ش)، مشکلات حکومت دینی، قم: لیلة القدر.
۱۵. صنیعی منفرد، محمدعلی (۱۳۸۰ش)، تثبیت و کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه الزهراء علیها السلام.
۱۶. عالم، عبدالرحیم (بی تا)، بنیادهای علم سیاست، بی جا: نشر نی.
۱۷. عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۷۸ش)، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. عیسی، مسعود بن (بی تا)، مجموعه ورام، ترجمه: محمدرضا عطایی، بی جا: بی نا.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸ق)، العین، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۲۰. کاشف الغطاء، هادی (بی تا)، مستدرک نهج البلاغه، بیروت: انتشارات کتابخانه اندلس.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۱ق)، اصول کافی، بی جا: دارالثقلین.
۲۲. مجلسی، محمدباقر (بی تا)، بحار الانوار، بی جا: مؤسسة الوفاء.
۲۳. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۲ش)، به سوی خودسازی، نگارش: کریم سبحانی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی (بی تا)، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶ش)، خاتمیت، تهران: انتشارات صدرا.

۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲ش)، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.
۲۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الاختصاص*، قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.
۲۸. منتظری، حسینعلی (۱۳۷۴ش)، *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة*، بی‌جا: تفکر.
۲۹. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱ش)، *صحیفه نور*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۴ش)، *جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.
۳۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷ش)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.
۳۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲ش)، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه.
۳۳. نراقی، محمد مهدی (بی‌تا)، *جامع السعادت*، بیروت: بی‌نا.
۳۴. واعظی، احمد (۱۳۸۶ش)، *حکومت اسلامی*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

